

*Research Article*

## Applications of Prayer in Arabic and Persian Based on Del Haymes Model (Case Study: Fictional Texts)

Maleka Ahmadi Qandak<sup>1</sup>, Fereshteh Afzali<sup>2\*</sup>

### Abstract

This descriptive-analytical study seeks to study the practice of prayer speech and its practical differences in Arabic and its Persian translation. For this purpose, in order to study these actions and discourses in fictional texts and in order to collect data, we randomly selected three collections of the noble works of «Naguib Mahfouz» the famous Egyptian author: Shahr o al-Asal, Thaht o almezalla and Beit Sayye alsoma a. then we explored parts of the prayer using the eight-frame framework proposed by Del Himes (1976) (SPEAKING) and provided a suitable translation in the target language. Findings show that the amount and frequency of prayer words and utterances in different situations according to different circumstances are different among Persian and Arabic speakers. Because some words containing prayer in the source language have a completely different meaning from the target language. According to the analysis of all the analyzed data, the act of praying in the stories of Shahr-o-Alasal is 22, Taht o almezalla, 9, and Bait Sayye a-Soma'a is 11. Considering the findings obtained in these three collections, the highest frequencies belong to the story collection of Shahr al-Asal, Bitsiya al-Sama'ah, and al-Mutزالah, respectively. On the other hand, the uses of prayer speech in these three sets of stories are: Asking God, asking for forgiveness, asking for forgiveness, asking for good, eliminating danger, wishing health and longevity, sarcasm, praise, happiness, helplessness, mockery, etc.

**Keywords:** Cultural Differences, Spoken Prayer Action, Del Hymes, Arabic Stories

**How to Cite:** Ahmadi Qandak M, Afzali F., Applications of Prayer in Arabic and Persian Based on Del Haymes Model (Case Study: Fictional Texts), Quarterly Journal of Comparative Literature Studies, 2025;18(72):21-39.

1. Master's Degree in Arabic Translation from Damghan University, Iran

2. Assistant Professor, Department of Arabic Translation, Faculty of Humanities, Damghan University, Iran

## کنش گفتار دعا در زبان عربی و فارسی بر پایه مدل دل هایمز (مطالعه موردی: متون داستانی)

ملکی احمدی قندک<sup>۱</sup>، فرشته افضلی<sup>۲</sup>\*

### چکیده

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی در پی بررسی کنش گفتار دعا و تفاوت‌های کاربردی آن در زبان عربی و فارسی است. به این منظور، برای بررسی این کنش گفتارها در متون داستانی و به منظور جمع‌آوری داده‌ها، سه مجموعه از آثار نجیب محفوظ نویسنده نامی مصر را به شکل اتفاقی برگزیدیم: شهر العسل، تحت المظلة و بیت سیء السمعة، آنگاه پاره گفتارهای دربردارنده دعا را با استفاده از چارچوب هشت‌گانه مدل پیشنهادی دل هایمز (۱۹۷۶) (SPEAKING) مورد کنکاش قرار دادیم و معادل مناسب با زبان مقصد ارائه دادیم. یافته‌های پژوهش نشان از آن دارد که میزان و انبوه واژه‌ها و گفتارهای دعا در موقعیت‌های گوناگون با توجه به شرایط گوناگون در میان گویشوران فارسی و عربی متفاوت است؛ زیرا برخی از گفتارهای دربردارنده دعا در زبان مبدأ از لحاظ ساختاری، معنای کاملاً متفاوتی با زبان مقصد دارد. با توجه به بررسی‌های کل داده‌های واکاوی شده، کاربردهای کنش گفتاری دعا در این داستان‌ها عبارت است از: درخواست از خداوند، طلب بخشش، طلب آموزش، طلب خیر، رفع خطر، آرزوی سلامتی و طول عمر، طعنه، تمجید، شادی، عجز و درماندگی و تمسخر، تهنیت و....

**واژگان کلیدی:** تفاوت‌های فرهنگی، کنش گفتار دعا، مدل دل هایمز، داستان‌های عربی

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران

۲. استادیار مترجمی زبان عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران

ایمیل: f.afzali@du.ac.ir

نویسنده مسئول: فرشته افضلی

## مقدمه و بیان مسئله

زبان گسترده‌ترین شکل ارتباط اجتماعی است. با مطالعه زبان می‌توان از نظام فکری و فرهنگی آن جامعه آگاهی یافت. برای برقراری ارتباط، تنها آگاهی از ساختار زبان کافی نیست، بلکه ارتباط مؤثر نیازمند شناخت عمیقی از فرهنگ است. پژوهش‌های زبانی راه‌گشای آشنایی با فرهنگ و روحیات افراد آن فرهنگ است.

پیوند زبان و فرهنگ بسیار نزدیک، ولی بسیار پیچیده بوده و یکی از مسائل اصلی مورد توجه زبان‌شناسان از قرن نوزده تاکنون است. در حقیقت، پیوند تنگاتنگ میان زبان و فرهنگ نشان دهنده هم‌پوشانی گسترده میان آن‌هاست (لیکاف، ۲۰۱۹م: ۲۱۷). یکی از راه‌های روشن کردن پیوند متقابل زبان و فرهنگ، مطالعه کنش‌گفتارها در زبان است.

هر مکالمه ممکن است با یکی از هدفهای انجام کار، درخواست اطلاعات، وادار کردن دیگری به انجام کار، عذرخواهی، تهدید و... باشد و هدف یا سمت و سوی مکالمه می‌تواند از ابتدا ثابت باشد یا در مبادله کلام دگرگون شود (دیانی، ۲۰۰۴م: ۱۵۷، به نقل از پیش‌قدم و فیروزیان، ۱۳۹۶م: ۸). با توجه به این که نظریه کنش‌های زبانی به عنوان نظریه‌ای عام در همه‌ی زبان‌ها و آثار ادبی باید صدق نماید، مطالعه زبانی و همچنین آثار ادبی در این زبان بر پایه این نظریه می‌تواند در گسترش دانش و یافته‌های زبانی در حوزه علم زبان‌شناسی و به‌ویژه کاربردشناسی زبان دارای اهمیت باشد و مترجمان فارسی‌زبان از محدودیت‌ها و ویژگی‌های ممتاز زبان‌ها آگاه شده تا با افزودن آگاهی خود از اختصاصات فرهنگی زبان‌ها، آگاهی خود را از متن مورد ترجمه بالا ببرند.

گفتنی است این پژوهش یکی از گام‌ها برای پرکردن خلأیی است که در زمینه تحلیل موشکافانه کنش‌گفتار دعا و طبقه‌بندی کاربردهای آن در زبان عربی وجود دارد.

## تعریف موضوع و ضرورت

کنش‌گفتار یکی از مبانی ایجاد ارتباط کلامی در متون و مفاهیم بلاغی و ادبی به شمار می‌رود. با تمرکز برکنش‌های گفتار یک متن، می‌توان وضعیت و موقعیت اجتماعی اشخاص موجود در اثر، یا ارتباط کلامی را تحلیل و بررسی کرد. این امر با توجه به سن، جنسیت، موقعیت و فرهنگ و مذهب و ماهیت متفاوت جامعه، متفاوت است. یکی از نظریات علمی تحلیل متون می‌تواند نظریه کنش‌گفتار باشد که با بکارگیری علمی اصول آن در تحلیل و بررسی آثار ادبی می‌توان گام‌های بلندی در جهت نزدیکی به ذهن و زبان خالق اثر برداشت. یکی از مباحث مهم زبان‌شناختی، تحلیل مقابله‌ای زبان‌های مبدأ و مقصد است و فرد با این دشواری روبروست که چگونه باید با جنبه‌های فرهنگی در زبان مبدأ رفتار کرده و مناسب‌ترین شگردها را در انتقال و برگردان این جنبه‌ها در زبان مقصد به کار بگیرد. با توجه به

اشتراک مجموعه‌ای از آیین‌های قراردادی اجتماعی و زبان‌شناختی جهان‌شمول در همه فرهنگ‌ها، ولی وجود تحلیل کاربردشناسی مقابله‌ای دو زبان، در روند انتقال یک زبان به زبان دیگر، به سطح بالایی از توانش کاربردشناسی فرد نیاز است. موقعیت و شرایط مناسبی که در آن یک اصطلاح دعا می‌تواند جایگزین کلام زبانی دیگری گردد، ممکن است کاملاً روشن نباشد و باید عواملی چون نقش و موقعیت اجتماعی در روند برگردان مناسب یک متن از زبان مبدأ به زبان مقصد در نظر گرفته شود. از سوی دیگر کنش‌گفتاری دعا معانی بی‌شماری است که باید این معانی به شکل درست انتقال داده شود.

به همین روی، با توجه به نقش زبان، بر آنیم تا با بررسی داستان‌های عربی و انتقال آن در زبان فارسی به مقایسه دعا در این دو فرهنگ بپردازیم، از این روی کاربرد این کنش‌گفتار را در زبان فارسی و عربی در سه مجموعه داستان «شهر العسل» (۱۹۸۸)، تحت المظلة (۱۹۶۷) و بیت‌سیء السمعة (۱۹۹۴) از «نجیب محفوظ» ادیب مصری مورد کنکاش قرار می‌دهیم. گفتنی است این داستان‌ها را به شکل اتفاقی برگزیدیم. تحلیل این کنش‌گفتار بر پایه مدل دل‌هایمز انجام می‌گیرد؛ این مدل این امکان را می‌دهد که گفتمان‌های گوناگون را کنکاش و عوامل تأثیرگذار بر تعامل میان افراد را بررسی کنیم.

### پرسش‌های پژوهش

۱. کنش‌گفتاری دعا در زبان عربی و فارسی، از نظر ساختاری و درون‌مایه‌ای چه تفاوتی با هم دارند؟
۲. کاربردهای کنش‌گفتاری دعا در مجموعه داستان‌های برگزیده کدام است؟

### پیشینه پژوهش

کنش‌گفتار یا به عبارتی کارگفت‌ها و به ویژه دعا انواع مختلفی دارد که تاکنون مطالعات بی‌شماری در این زمینه در زبان فارسی و سایر زبان‌ها صورت پذیرفته است، از جمله پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده است:

- علی نجفی ایوکی و دیگران در مقاله "تحلیل متن‌شناسی خطبه شقیقه بر اساس نظریه کنش‌گفتاری سرل" (۱۳۹۶)، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، خطبه یادشده را بر پایه این نظریه بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که کنش‌گفتاری اظهاری در این خطبه از بیش‌ترین بسامد برخوردار است.

- سمیرا شهنوازی (۱۳۹۴) در دفاع از پایان‌نامه‌ی "بررسی کنش‌های گفتاری دعا و نفرین در گویش بلوچی سرحدی بر اساس نظریات آستین (۱۹۶۲) و سرل (۱۹۶۹)" دانشگاه سیستان و بلوچستان، با راهنمایی دکترپاکزاد یوسفیان و دکتر بهروز برجسته دلفروز، به بررسی کنش‌گفتاری دعا و نفرین بر اساس نظریات پنج‌گانه سرل به این نتیجه رسید که کنش‌گفتار بلوچی سرحدی از نوع کنش‌های عاطفی هستند.

- هادی علی پور لیاقوئی و نظری (۱۳۹۹) در مقاله "تحلیل کاربرد شناختی «قصیده الارض» محمود درویش با تکیه بر نظر کنش‌گفتار"، فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی) به مطالعه و تحلیل قصیده‌های از محمود درویش بر اساس کنش‌گفتار در مقام یک کنش کلامی می‌پردازد و بدین منظور به تجزیه و تحلیل معانی متن، بر اساس بافت در نظریه مذکور به مطالعه می‌پردازد و براساس الگوی سرل، یافته‌های تحقیق بیانگر آن نتیجه است که کنشگری قصیده فوق در کارکرد اظهاری و عاطفی، بیش‌ترین بسامد را دارد.

- آمنه عرب‌زاده یک لنگی (۱۳۹۲) از پایان‌نامه "تحلیل گفتمان فیلم جدایی نادر از سیمین براساس دیدگاه قوم‌نگاری ارتباط دل‌هایم" دانشگاه سیستان و بلوچستان، با راهنمایی دکتر یحیی کیخایی، در این پژوهش با استفاده از مدل هایمز (۱۹۷۴) رویدادهای ارتباطی فیلم جدایی نادر از سیمین را تحلیل کرده است؛ و با نتایج به دست آمده براساس این مدل که بیانگر تطابق اجزای گوناگون گفتار در این رویکرد با قوانین فرهنگی ایران است، دفاع کرد.

- پیش‌قدم و وحیدنیا (۱۳۹۴) در مقاله "کاربردهای در فیلم‌های فارسی و انگلیسی در پرتو الگوی هایمز"، (جستارهای زبانی) به بررسی کنش‌گفتار دعا در دوزبان فارسی و انگلیسی در پرداخته‌اند و با استفاده از مدل هایمز (۱۹۶۷) به این نتیجه دست یافتند که کاربردهای دعا در زبان فارسی نسبت به زبان انگلیسی دوبرابر است.

- پیش‌قدم و فیروزیان (۱۳۹۶) در مقاله "تأملی جامعه‌شناختی پیرامون کاربردهای گفتمانی «نمی‌دانم» در زبان فارسی در پرتو الگوی هایمز" مطالعات فرهنگ-ارتباطات، پژوهشگر در این پژوهش داده‌های ۴۵۰ بافت طبیعی که افراد در تعاملات روزانه خود به کار می‌برند را براساس مدل هایمز مورد مطالعه قرار داده است که نتایج حاصل این پژوهش حاکی از آن است که انگیزه نهفته در کاربرد «نمی‌دانم» در شرایطی که گوینده دارای اطلاعات مورد نیاز برای ارائه به مخاطب می‌باشد، در اغلب موارد تلاش برای ملاحظه‌منزلت اجتماعی پایه‌بندی به اصول ادب و حفظ وجه مخاطب است.

- نوشین خسروی (۱۳۹۶) از پایان‌نامه "بررسی کنش‌های گفتاری در دو رمان فارسی «سمفونی مردگان» و «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» بر اساس نظرات آستین (۱۹۶۲) و سرل (۱۹۶۹)" دانشگاه ایلام، با راهنمایی مریم تفرجی یگانه با مطالعه‌ی کنش‌گفتارهای موجود در چارچوب این نظریه‌ها و نتایج حاوی از آن که در دو رمان کنش‌های ترغیبی، عاطفی، اعلامی، تعهدی، و اظهاری کاربرد دارد و اینکه بسامد کنش‌گفتار در این دو رمان یکسان نیست دفاع کرد.

- معصومه نعمتی قزوینی، (۱۳۹۳) در مقاله "تحلیل خطبه حضرت زینب سلام الله علیها در کوفه براساس نظریه کنش‌گفتار سرل" فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، خطبه را براساس نظریه پنجگانه سرل تحلیل کرده است و به این نتیجه رسیده که کنش‌های اظهاری، اعلامی، عاطفی،

ترغیبی، و تعهدی به ترتیب بیش‌ترین کاربرد را در این خطبه داشته و در مقابل کنش‌های اعلامی و تعهدی به هیچ وجه به کار نرفته است.

- صمد میرزا سوزنی (۱۳۹۷) در مقاله "تحلیل کنش‌گفتار تعارف‌ها در فارسی، انگلیسی و فرانسه از منظر اجتماعی فرهنگی" فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه به بررسی مشکلات تلاقی فرهنگی در هنگام ترجمه تعارف‌آمیز پرداخته است که بدین منظور ۸۷ اصطلاح مربوط به کنش‌گفتار تعارف‌ها در سه زبان فارسی، انگلیسی و فرانسه مورد مطالعه قرار گرفت و نتایج نشان داد که در فارسی بر خلاف انگلیسی و فرانسه، شرط ادب گوینده اغلب بر نفی یا رد تعارف‌ها طرف مقابل قرار می‌گیرد؛ در صورتی که تعارف‌ها در انگلیسی نیستند.

با توجه به پژوهش‌های انجام شده، تاکنون هیچ پژوهشی در زمینه کنش‌گفتار دعا در این مجموعه داستان‌ها صورت نپذیرفته است.

### روش پژوهش و چارچوب نظری

جستار حاضر به روش توصیفی تحلیلی در پی بررسی چگونگی نمود کنش‌گفتار دعا و تفاوت‌های کاربردی آن در زبان عربی و فارسی است به این منظور، برای بررسی کنش‌گفتار دعا در متون داستانی و به منظور جمع‌آوری داده‌ها، سه مجموعه از آثار نجیب محفوظ نویسنده نامی مصر را برمی‌گزینیم، آنگاه گفتمان‌های پاره‌گفتارهای دربردارنده دعا را با استفاده از چارچوب هشت‌گانه‌ی مدل‌هایمز مورد کنکاش قرار می‌دهیم و معادل آن را در برابر متن عربی، جای‌گذاری می‌کنیم و در پایان به ارائه کاربرد دعا در داستان‌های عربی می‌پردازیم. گفتنی است‌هایمز الگوی پیشنهادی خود را به شکل سرواژه (SPEAKING) مطرح کرد که هر حرفی از آن نشانگر یکی از عوامل تأثیرگذار در ارتباط درست است.

### پردازش تحلیلی موضوع

#### کنش‌گفتار دعا

افراد در زمان مطرح کردن منظور خود پاره‌گفتارهایی را تولید می‌کنند که نه تنها از نظر ساختاری و دستوری ایراد ندارد، بلکه در قالب این پاره‌گفتارهای تولید شده اعمالی نیز انجام می‌شود. اعمالی که پاره‌گفتارها انجام می‌دهند، کنش‌گفتار نامیده می‌شود (یول، ۱۹۹۶ م: ۴۷). اصطلاح کنش‌گفتار شامل اعمالی مانند تقاضا کردن، امر کردن، سؤال کردن و مطلع ساختن است، به گونه‌ای که صورت‌ها را باید در تجزیه نحوی زبان تعریف کرد و نقش‌ها را به آن چه مردم از کاربرد زبان در نظر دارند (همان، ۱۳۷۹ ش: ۱۴۹).

در بررسی‌هایی که در زمینه کنش‌های گفتاری گوناگون کلامی انجام می‌شود، دو رویکرد اصلی وجود دارد: ۱- رویکرد زبان‌شناسی کاربردی مانند کنش گفتار بیان شدت، توبه، معذرت خواهی و... ۲- رویکرد جامعه‌شناختی فرهنگی چون: کنش گفتار دعا، نفرین، قسم، تعریف و تمجید و...  
دعا به عنوان یک کنش گفتار، پاره‌گفتاری بیانی دربردارنده ی نوعی آرزوی نیک در حق کسی است که اغلب گوینده آن را در مقابل یا به توقع عاملی خوشایند که عموماً مسبب آن شنونده بوده به او می‌گوید. این کنش گفتار در واژه‌نامه‌ها معانی گوناگونی دارد:

واژه‌نامه معین: "دعا" را به عنوان اسم به معنای خواندن جمله‌های مأثور از پیامبر و امامان در اوقات معین برای طلب آموزش و برآورده شدن حاجت، نیایش کردن، درخواست حاجت از خدا، نیایش، مدح و ثنا، تحیت و درود، سلام، تضرع (معین، ۱۳۷۱ ش: ۱۵۳۹-۱۵۳۸). در واژه‌نامه دهخدا: ۱- حاجت خواستن، درخواست کردن چیزی از خدا، درخواست سعادت یا شفا و طلب حاجت و جز آن‌ها که روی کاغذ می‌نویسند و همراه خود دارند و یا از بر می‌خوانند و... (دهخدا، ۱۳۷۳ ش: ۹۰۶۶-۹۰۶۴) و در واژه‌نامه روز سخن: درخواست کردن چیزی از خداوند یا بزرگان دین هنگام نیاز، اضطرار، آموزش خواستن و مانند آن‌ها، هر یک از مجموعه سخنانی که معمولاً به زبان عربی است و از قرآن یا سخنان بزرگان دین گرفته شده است، درود و سلام گفتن، ستایش. شرح: دعاء حاجت خواستن. ج، ادعیه، دعوات و... (انوری، ۱۳۸۲ ش: ۱۰۳۷-۱۰۳۶). از پربسامدترین کارکردهای دعا می‌توان به کارکرد عاطفی تشکر و تأیید، تقاضا و درخواست، تمجید، شوخی و... اشاره کرد. (صبحی، ۱۳۸۹ ش: ۱۱۵-۱۱۸)

### بررسی مدل دل‌هایمز (۱۹۷۶)

در راستای قوم‌نگاری ارتباط، دل‌هایمز بیش از سایرین به مقوله کارکرد زبان در ارتباط با فرهنگ پرداخت. وی با ارائه الگویی مفاهیم و نظریات مرتبط با قوم‌نگاری ارتباط را قاعده‌مند کرد. تا بدین وسیله ضمن درک و توصیف رفتارهای ارتباطی در بافت فرهنگی براساس قاعده‌ای خاص عوامل موثر بر یک ارتباط مناسب در هر جامعه زبانی را مشخص کند. در این شیوه برای بررسی یک ارتباط مناسب تنها به تحلیل کلام در متن یا ساختار جمله بسنده نمی‌شود، بلکه تمام عوامل کلامی و غیرکلامی آن در رسیدن یک رویداد ارتباطی به اهدافش مورد توجه قرار می‌گیرد. وی برای این کار الگوی پیشنهادی خود را به صورت سرواژه SPEAKING مطرح کرد که هر حرفی از آن نماینده یکی از عوامل موثر در ارتباط صحیح است و شامل (S) مکان و موقعیت، (P) مشارکین، (E) اهداف، (A) ترتیب گفتار (K) نوع کلام، (I) ابزارکلام، (N) قوانین (G) است.

۱. موقعیت زمانی مکانی (Setting): باتوجه به مکان و زمانی که گفتار در آن انجام می‌پذیرد، شامل محیط و موقعیتی است که ارتباط در آن روی می‌دهد از جمله یک دادگاه، مکان حراج، کلاس درس در

یک مدرسه، قهوه‌خانه و... (هایمز، ۱۹۶۴م: ۳۷). موقعیت یک گفت‌وگو را می‌توان به دو گروه تقسیم‌بندی کرد:

#### ا. عمومی/رسمی

#### ب. خصوصی/غیررسمی

۲. شرکت‌کنندگان (Participants): مشارکین کلیه افرادی هستند که در یک گفت‌وگو شرکت دارند. در بخش مشارکین باید به سوالاتی از این قبیل پاسخ داد: چه کسی در رویداد شرکت دارد، چه نقشی در رویداد دارد، تفاوت بین مشارکین یک تعامل از چه طریق معین می‌شود (جنسیت، تفاوت سطح اجتماعی و غیره). اطلاعات لازم در مورد شرکت‌کنندگان شامل سن، جنسیت، ملیت و ارتباط میان آن‌ها می‌باشد. با در نظر گرفتن وضعیت قدرت و فاصله، شرکت‌کنندگان در یک گفت‌وگو ممکن است در چهار موقعیت مختلف قرار گیرند:

ا. هم‌تراز و آشنا (دو دوست)؛

ب. هم‌تراز و غریبه (دو پزشک)؛

ت. نابرابر و غریبه (مدیر و کارمند)؛

ث. نابرابر و آشنا (استاد و دانشجو).

۳. هدف (Ends): مشارکین از وارد شدن به یک تعامل، اهداف خاصی را دنبال می‌کنند و اهداف یک رویداد به طور مستقیم اهداف مشارکین آن را شامل می‌شود. اما اهداف یک تعامل فقط شامل اهداف طرفین نمی‌شود، بلکه شامل نتیجه یک رویداد ارتباطی نیز می‌شود. هایمز این دو عامل را با هم اهداف تعامل می‌نامد (هایمز، ۱۹۷۴م: ۵۶). فسولد (۱۹۹۰م: ۴۴) اهداف را جمع برون‌داد و مقاصد می‌داند. و در توزیع برون‌داد باید گفت که در مواردی برون‌داد با اهداف مشارکین متفاوت است (گومپرز و هایمز، ۱۹۷۲م: ۶۲).

۴. ترتیب گفت‌وگو (Act sequence): هدف ترتیب یا توالی کنش‌های کلامی و غیرکلامی مربوط به شکل پیام و محتوای پیام می‌شود، مانند بیان واژه‌ای خاص، چگونگی بیان و نحوه استفاده از آن و رابطه کلمه به کار رفته با موضوع گفتگو. بدین مفهوم که به کار بردن کلمه خاص نقش و تاثیر خاصی بر کل رویداد دارد. شکل و مفهوم پیام به یکدیگر مربوطند و این دو را نمی‌توان در تجزیه و تحلیل از هم جدا کرد. مفهوم پیام به این مطلب می‌پردازد که مفهوم رویدادهای ارتباطی درباره چه چیزی و چگونه منتقل می‌شود.

۵. لحن (Key): ممکن است دوستانه، خصمانه، تهدیدآمیز، جدی، طعنه‌آمیز و... باشد و گفته می‌شود لحن با تغییر در هر یک از دیگر عوامل، متغیر می‌شود. (Saville-Troike, 2003: 80)



۶. ابزار (Instrumentalities): ابزار و وسایل ارتباطی می تواند شامل ابزاری باشد که از طریق پیامی انتقال می یابد؛ این ابزار شامل ابزار گفتاری و غیر گفتاری می شود (شیفرین، ۱۹۹۴: ۱۴۲). وسیله ارتباطی انتقال پیام از فرستنده به گیرنده است؛ که به صورت های گفتاری و نوشتاری است. گفتاری به صورت مستقیم و غیر مستقیم است و نوشتار هم به صورت شکل مکتوب گفتار و یا کاربرد رمز خاص. هایمز کانال شفاهی را آواز خواندن، سوت زدن و آواهای کلامی می داند و گفتار را بخش اصلی این کانال ذکر می کند (هایمز، ۱۹۷۶ م: ۵۸).

۷. قوانین گفتمان (Norm): فسولد (۱۹۹۰ م: ۴۵) نوبت گیری، وجود فاصله و همپوشی را قوانین تعامل می نامد. این موارد وابسته به فرهنگ جامعه مورد نظر است و در فرهنگ های مختلف متفاوت جلوه می نماید. مثلاً سکوت در یک موقعیت خاص نشانه ادب است، در حالی که در جامعه ای دیگر فردی آن را بی احترامی تلقی می کند. هایمز معتقد است سکوت، نگاه ممتد، فاصله و همپوشی را دارای منظور خاصی نباشد، نباید به عنوان هنجارهای تعامل در نظر گرفت.

۸. نوع گفتمان (Genre): از نظر شیفرین، گونه عبارت است از: «گونه های متنی» (شیفرین، ۱۹۹۴ م: ۱۴۲) این گونه ها، در مفهوم «نوع گفتمان» جزئی از قواعد و قراردادهای زبانی و اجتماعی از پیش موجود هستند؛ از جمله نامه های اداری، داستان، توصیف، داستان کوتاه و... (بلانشه، ۲۰۰۸ م: ۴). بنابراین، شامل دسته بندی های شعر، افسانه، داستان، ضرب المثل، معما، نقرین و دشنام، راز و نیاز و عبادت، خطابه، سخنرانی، پیام بازرگانی و مواردی از این گونه می باشد. در هر رویداد ارتباطی تعاملات ممکن است به شکل پند و موعظه، کلام کوتاه و گفتار حکیمانه از بزرگان، ضرب المثل، شعر و یا قانون عرف مانند بیان مقررات، بیان شوند (هایمز، ۱۹۷۴ م: ۶۱).

#### «S-P-E-A-K-I-N-G»: عوامل مؤثر بر روابط میان افراد در الگوی هایمز

S	زمان، مکان و بافتی که گفتمان در آن شکل می گیرد.
P	اطلاعات درباره سن، جنسیت، ملیت و روابط میان شرکت کنندگان
E	هدف در نظر گرفته شده در بیان یک عبارت
A	ترتیب عملکرد شرکت کنندگان
K	لحن شرکت کنندگان در گفتمان
I	شیوه بیان گفتاری و نوشتاری در گفتمان
N	رفتارهای ویژه یا مشخصه های نسبت دادنی به گفتمان
G	گروهی از ویژگی ها و ساختارهای شکل دهنده چارچوب تولید گفتمان

## کنش‌های گفتاری دعا در متون داستانی (شهر العسل، تحت المظلة و بیت‌سیء السمعة):

### موقعیت زمانی و مکانی

#### أ. عمومی / رسمی

- مثال: (گفت و گو میان خانم (صاحب قهوه‌خانه) و جوان تازه‌وارد در محیط قهوه‌خانه)  
\_لامواخذة، أرجو أن لا أكون أخطات. \_ لاسمح الله و لكن خيل الي باديء الأمر أنك  
زبونٌ نهارِيّ (محفوظ، ۱۹۸۸م: ۳۸). \_ جسارت نشه، امیدوارم اشتباه نکرده باشم. \_ خدا نکنه،  
ولی ابتدا فکر کردم تو مشتری روزانه‌ای!  
○ مکالمه میان افسر و مرد غریبه در دکان) و استطراد الضابط قائلاً بلهجتہ الساخرة: -مبارک علیک!  
المال الحلال لا یضیع! (همان، ۱۹۹۴م: ۲۹۰) افسر با لحن تمسخرآمیز خود ادامه داد و گفت: -  
مبارک باشد! مال حلال بر باد نمی‌رود!

#### ب. خصوصی / غیر رسمی

- مکالمه دو دوست قدیمی: مدیر قهوه‌خانه و جوان در فضای دوستانه) فضحک الشاب قائلاً:  
\_عاش الملک! (همان، ۱۹۸۸م: ۵۱) جوان خندید و گفت: \_ زنده باد شاه!  
○ مکالمه میان غلام و پسر ارباب خانه در محیط خانه) الغلام: لن یعود. الفتی: أنت تهذي يا غلام.  
الغلام: سامحك الله يا سيدي. (همان، ۱۹۶۷م: ۱۴۲) پسر بچه: او بر نمی‌گردد. پسر بچه: چرند  
می‌گویی، پسر. پسر بچه: آقا، خدا از سر تقصیرات شما بگذرد.

### شرکت‌کنندگان

#### أ. هم‌تراز و آشنا:

- (گفتگو میان عاشق و معشوق) \_قلبي معك طيلة الوقت! \_الله معها.. (همان، ۱۹۸۸م: ۲۰۶)  
-قلبم تمام مدت با توست! -خدا با او باشد.. (عبارت «الله معها» جمله دعایی در معنای طلب خیر  
است).  
ب. هم‌تراز و غریبه  
○ (گفت و گو میان دو فرد غریبه بر روی سن نمایش) مِتُّ وحيداً و ها أنا أحزن وحدي.  
\_لتكن الجنة مثواك (همان: ۱۱۰).  
تنها مُردم و اکنون بر تنهایی‌ام اندوهناکم. -بهشت برین جایگاهت باد.  
ت. نابرابر و غریبه  
○ (گفت و گو میان دو فرد غریبه: مرد بزرگسال و دختر نوجوان) -إني أب.. \_بل جد، وأقدم من ذلك!

\_سامحك الله (همان: ۹۱). من پدر هستم... -حتی بگو پدر بزرگ و پدر پدر بزرگ!  
-خدا از سر تقصیرات بگذرد.

ث. نابرابر و آشنا

○ (گفت و گو میان صاحب و مدیر قهوه‌خانه که از نظر رتبه در دو جایگاه هستند) فقال التابع:  
\_دعي الأمر لي يا معلمة! \_رَبُّنَا يَسْتُرُ. (همان: ۶۵)  
مدیر قهوه‌خانه گفت: \_این کار را به من بسپار خانم! \_خداوند خودش به دادمان برسد.

### هدف

با توجه به گفتمان‌ها، هدف‌های دعا با کاربردهای دعا هم‌پوشانی دارد، به این سبب در بخش «۴-  
۲» مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

### ترتیب گفتمان

ترتیب گفتمان در بردارنده مطالعه‌ی نقش بخش‌های آن گفتمان است؛ به عبارت دیگر، هر جمله از یک گفتمان به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفته و نقش آن تعیین می‌شود. با توجه به محدودیت‌های موجود برای بررسی همه مکالمه‌هایی که در آنها دعا صورت گرفته، در اینجا به تحلیل دو نمونه بسنده می‌کنیم:

○ **موقعیت:** گفت و گوی میان خادم آرامگاه و دختری که به آنجا پناه برده است:

ش ۱. (پرسش با تعجب) يُحْيِلْ إِلَيَّ أَنْ هَذَا الدَّرْبِ لَيْسَ بِالْمَكَانِ الْمُنَاسِبِ لَكَ! \_فكرمی کنم  
این جا مکان مناسبی برای تو نباشد!

ش ۲. (پاسخ با ریشخند) فقالت بسخرية: \_ربما، لعل المكان الأنسب هو السجن أو القبر.  
زن جوان ریشخند زنان گفت: \_شاید جای مناسب‌تر، زندان یا گور باشد.

ش ۱. (دعا به صورت درخواست از خداوند و تعجب) أعوذ بالله! (همان: ۵۹) \_پناه بر خدا!

○ **موقعیت:** باقالی فروشی؛ گفت و گو میان مرد دکان دار و پسر بچه:

ش ۱. (پرسش با طعنه) ضيعة القرش، أنت ولد لايعتمد عليك. پول را گم کردی، به تو پسر نمی‌شود اعتماد کرد.

ش ۲. (پاسخ با ناراحتی) نظرتُ فيما تحت قدمي و حوَالِي و أنا أقول: \_لم أضيعه..كان في جيبي طوال الوقت. به زیر پایها و اطرافم نگاه انداختم و گفتم: -گم نکردم... همه این مدت درون جیبم بود.

ش ۱. (دعا برای یاری خواستن) \_وسَّعْ لغيرك و قُلْ يَا فَتَّاحُ يَا عَلِيمُ (همان، ۱۹۶۷م: ۵۶) -برو کنار نفر بعدی بیاید و بگو خدایا توکل بر تو.

## لحن

### ○ محترمانه:

— أنت خادم الضريح.. ثم نظرت إلى الجموع و قالت: — اذهبوا بسلامة الله (همان، ۱۹۸۸م: ۱۴۰)..

— (از این به بعد) تو خادم آرامگاهی.. سپس به جمعیت نگاه کرد و گفت: — بروید، خیر پیش..

### ○ ملتمسانه:

— أظن أن لنا نناقش مشاكلنا العاجلة! فمضي نحو الباب وهو يتمتم: — استعنا علي الشقاء بالله. (همان: ۱۱۴) — به نظرم وقتش رسیده که درباره مشکلات ضروری‌مان گفتگو کنیم!  
مرد به سمت در رفت و زیر لب گفت: — پناه بر خدا از دست بدبختی.

### ○ طعنه‌آمیز

— أتحاسبني علي عواطف طفولية اندلعت في قلبي منذ نصف قرن؟ — اني أعرف عشيقك أيضا!  
— فليساهمك الله.. (همان: ۲۳۸) — من را به خاطر احساسات بچه‌گانه‌ای که پنجاه سال پیش در قلبم شعله کشیده بود، سرزنش می‌کنی؟ — تازه من معشوقت را هم می‌شناسم! —  
وای خدا تو را نکشد.

### ○ دعایی

(مکالمه عادی میان دو دوست) — غيرُ قليلين ولكنهم طهروا المنطقة. — ليرحمُ الله الشهداء. (همان، ۱۹۶۷م: ۸۱)  
تعدادشان اندک نبود، ولی منطقه را پاکسازی کردند. — خداوند شهیدان را قرین رحمت کند.

### ○ شادمانی

— عفارم عليك... كنا حقا في المدينة — آفرین بر تو... واقعاً در شهر بودیم.  
— قضينا ليلة عجيبة — شب عجیبی را گذراندیم.  
— حياك الله يا ملهى الزهرة (همان، ۱۹۸۸م: ۱۶۱) — زنده باد کاباره الزهرة.

### ○ نگران:

— وسأله صاحب القهوة: — ما لك يا ليثي كفي الله الشر؟ (همان، ۱۹۹۴م: ۲۷۷) صاحب قهوه خانه از او پرسید: — چه شده تو را لیثی، بلا دور باشد؟

○ شوخی

الغلام: أمرني أن أسلمك التركة  
-أعني ليمد الله في عمره. (همان، ۱۹۶۷م:  
(۱۴۳)

غلام: مرحوم به من دستور داده که ارث را به تو تحویل بدهم. -منظورم این است که خدا عمرش را دراز کند.

○ جدی

الغلام: أمرني أن أسلمك التركة، لعلك تثوب إلي رشدك. الفتى: ليرحمه الله...  
أعني ليمد الله في عمره. (همان: ۱۴۳)

غلام: به من دستور داد میراث را به تو تحویل بدهم، شاید به خودت بیایی. جوان: خدا رحمتش کند..

○ همدردی

فقال الناقد: ربنا يكتب لها السلامة، الطبّ تقدّم... (همان، ۱۹۹۴م: ۲۶۴)  
ناقد گفت: خدا به او سلامتی بدهد، علم پزشکی پیشرفت کرده است...

○ ترحم آمیز و اندوهناک

(مکالمه مرد با همسر از دست رفته اش در اتاق) -قال محمد الرشیدی بنبرة أرعشتها الحزن و الانفعال: \_إلى رحمة الله الرحيم، إلى جوار ربك الكريم يا زاهية يا رقيقة عمري، إلى رحمة الله.  
(همان: ۲۶۹)

-محمد رشیدی بالحنی که اندوه و تأثر او را به لرزه در آورده بود، گفت: \_خدا رحمتت کنه، برو پیش خدای بزرگت، ای زاهیه ای رفیق عمرم، خدا رحمتت کند.

○ اعتراض آمیز / گلایه آمیز

(مکالمه میان زن و مرد آشنا) \_جرحي بسيط لكنه خسر أنفه فيما أعتقد. فتمتتم في مَلقٍ: \_كدت تقتله الله يجازيك (همان: ۲۵۳)

\_زخمم سطحی است ولی فکر کنم دماغش سوخت. زن با چاپلوسی گفت: -  
خدا خیرت بدهد، نزدیک بود او را بکشی.

○ تعجب

(گفت و گوی دو دوست در قهوه خانه)-بعد فاتحة الأعور بساعتین وجدتُ جعران فتوة الحلوجي أمامي! -یا ساتر، یا رب، و ماذا أراد؟ (همان: ۲۷۷)

دو ساعت پس از عقد دخترم نعیمه با أعور، جعران داش محلّه حلوجی را در برابرم دیدم!  
ای داد، ای خدا، حالا چه چیز خواست؟

## ابزار

نحوه بیان یک گفتمان به دو دسته‌ی گفتاری و نوشتاری تقسیم می‌شود و کاربرد دعا عموماً در قالب گفتاری است. بنابراین اصولاً ابزار گفتمان درکنش گفتار دعا در مجموعه داستان‌ها، گفتاری است و قالب نوشتاری (پیام و چت) کاربرد ندارد.

## قوانین گفتمان

بررسی دعا در گفتمان‌های گوناگون بیانگر آن است که دعا، بیشتر در بافت‌هایی کاربرد دارد که شرکت کنندگان می‌خواهند از دیگری تشکر کنند، یا درخواستی دارند و...  
○ **شرکت کنندگان:** گفتگو بین مردم در مانده و روح طیب دلها است که از شدت ناتوانی و ناامیدی آرامگاه دست به گریبان روح طیب دلها شده و به دعا می‌پردازند.

موقعیت: آرامگاه

و استبقت أصوات الجمهور في خشوع:

— رعایتك للغائب. — رحمتك بالمریض. — كرمك للكادح الفقیر. (محفوظ، ۱۹۸۸ م: ۱۳۲)

صدای مردم همچنان فروتنانه فریاد می‌زد: — غایبان را هم زیر بال خود بگیر.

— مرحمتی هم به بیماران بنما. — به زحمتکش فقیر بخشش نما.

○ **شرکت کنندگان:** صحبت بین جوان و غلام است که غلام برای دور ماندن از خشم و به حالت طعنه

در حق او دعا می‌کند:

موقعیت: خانه

— الغلام: لن یعود.

غلام: بر نمی‌گردد.

— الفتی: أنت تهذي يا غلام.

جوان: چرند می‌گویی، غلام.

— الغلام: سامحك الله يا سیدی. (همان، ۱۹۶۷ م: ۱۴۲) غلام: آقا، خدا از سر تقصیرات شما

بگذرد.

## نوع گفتمان

بر اساس نظریه هایمز، نوع گفتمان در متون داستانی و با توجه به مجموعه‌های برگزیده، از نوع داستان کوتاه است که هر داستان گفت وگوها را دربردارد، ولی در برخی افزون بر داستان کوتاه، بر پایه نمایشنامه است.

## کاربردهای دعا

در این بخش، بافت‌هایی را که دعا در آن نمود پیدا کرده بود مورد کاوش قرار دادیم و انگیزه‌های استفاده از آن را در این متون داستانی در ۱۸ مورد یافتیم:

○ درخواست از خداوند:

-سأجلس معه و ليعيني الله على إقناعه (همان، ۱۹۸۸ م: ۶۸). \_ با او می‌نشینم و حرف می‌زنم، خدا کمک کند او را قانع کنم.

○ طلب آموزش برای متوفی:

و قال الرجل: \_ أهلا بك يا عزيزة، رَحِمَ اللهُ أَبَاكَ. \_ أهلاً بك يا عمّاه. (همان: ۲۰۲)

و مرد گفت: \_ درود به تو عزیزه، خدا پدرت را بیامزد. \_ درود به شما عمو.

○ طلب بخشش:

الرجل: -إني أب.. الفتاة: \_ بل جد، و أقدم من ذلك! \_ سامحك الله. (همان: ۹۳)  
\_ من پدرم.. \_ حتی پدر بزرگ، پدر پدر بزرگ، فرقی نمی‌کند! \_ خدا از سر تقصیراتت بگذرد.

○ پناه بردن به خدا برای رفع خطر:

-الموقف خطير و الضحايا يتساقطون كل يوم بالعشرات! -لاحول ولا قوة الا بالله. (همان: ۳۹)  
وضعیت خطرناک است و هر روز ده‌ها نفر قربانی می‌شوند!  
-ای وای، پناه بر خدا.

○ طلب خیر در زندگی:

\_ من قوة المظلات يا فندم. \_ فرصة طيبة، أتمني لك حظاً سعيداً. (همان، ۱۹۶۷: ۷۲)  
\_ جزء نیروی چترباز (هستم)، قربان. \_ خوشوقتم، بهترین‌ها را برایت آرزو می‌کنم.

○ رفع بلا

فابتسمت عن طاقم نصيد و قالت: أنا تغيّرتُ أيضاً، الضغطُ ربُّنا يكفيك شرَّه و الحياةُ أنْهَكَتُ أعصابي (همان، ۱۹۹۴ م: ۲۶۶).

زن با آن دندان‌های مصنوعی مرتب، لبخند زد و گفت: \_ من هم تغییر کردم، فشار - که خدا شر آن را از تو دور کند- و زندگی، اعصاب مرا ضعیف کرده.

○ تمجید:

قالت بأدب لأول مرة: \_ تحية لسيد الرجال. (همان: ۱۹۸۸ م: ۶۷) زن برای نخستین بار مؤدبانه گفت: \_ درود بر تاج‌سر مردان.

○ شوخی و خنده:

-انتقلتُ الى رحمة الله على أثر نوبة قلبية أصابتنني و أنا جالس الى مكتبي. -ليرحمك الله. (همان: ۱۱۰) در دفتر کارم نشسته بودم که بر اثر سکته قلبی به رحمت خدا رفتم. -خدایت بیامرzt.

○ **طعنه:**

\_قضینا لیلۃ عجیبه\_ الله یکسفک (همان: ۱۶۱) \_شب عجیبی را گذرانندیم.  
\_خدا مرگت نده!

○ **التماس و تقاضا:**

\_یا طیب القلب کسیره، إلیک ابنی المسکین، اِشمله بِنَفْحَة مِنْ بَرَکَتک (همان: ۱۲۶) \_ای  
طیب دل های شکسته، پسر درمانده من نزد تو آمده، گوشه ای از رحمتت را شامل حال او کن.

○ **عجز و درماندگی:**

-ثم اضطررتُ أن أعترف له بفاتحة أعور! یا أرضُ احفظی ما علیک... (همان، ۱۹۹۴م:  
۲۷۷) آنگاه ناچار شدم به عقد اعور اعتراف کنم!  
-ای خدا، چه بلایی بر سرمان آمد..  
در زبان فارسی چنین عبارتی کاربرد ندارد و به جای آن می توانیم درخواست از خداوند به کار ببریم.

○ **آرزوی طول عمر**

-و قال له بائع السجایر و هو یُعطیه العُلبه : لا بأس علیک یا أستاذ، البقیة فی حیاتک.  
(همان، ۱۹۶۷م: ۲۵)

مرد سیگار فروش، جعبه سیگار را به او داد و گفت:  
بقای عمر شما.

○ **آرزوی سلامتی:**

فحدّثه عن حال زوجته حتی قال حیدر: -أسأل الله لها السلامة. (همان، ۱۹۹۴م: ۲۶۴) و از حال  
و روز همسرش حرف زد تا اینکه حیدر گفت:  
-برایش آرزوی سلامتی می کنم.

○ **اعتراض**

العِملاق: فلیسامحک الله. الفتی: اذهب بعیداً، لا أرید مساعدتک. (همان، ۱۹۶۷م:  
۱۲۶)

غول پیکر: خدا از سر تقصیراتت بگذرد. جوان: برو کنار، نیاز به کمک تو ندارم.

○ **تمسخر و استهزاء**

رفع الرجل یدیه بالدعاء قائلاً: -اللهم بارک فی عقلِ فؤاد أبو کبیر! (همان، ۱۹۹۴م: ۲۷۴)  
مرد دستانش را به حالت دعا بلند کرد و گفت: - خدایا یک عقل درست و حسابی به فؤاد ابوکبیر  
بده!

○ **شادمانی**

-فقال الصدیق الأول ضاحکاً و هو یرفع كأسه: \_صحتک! (همان، ۱۹۸۸م: ۲۳۴)  
دوست اولی خندید و گیلاسش را بلند کرد:  
\_یه سلامتی ات!



○ **تهنیت**

(مکالمه میان افسر و مرد غریبه در دکان) و استطراد الضابط قائلاً بلهجتہ الساخرة:  
 - مبارک علیک! المال الحلال لایضیع! (همان، ۱۹۹۴م: ۲۹۰) افسر با لحن تمسخرآمیز خود ادامه داد  
 و گفت: -مبارک باشد! مال حلال بر باد نمی‌رود!

○ **نگرانی**

(مکالمه میان مرد با خدای خویش) و مجرد مرور إحداهنّ في مجال بصره أصبح كافيًا لقلقلة حوائسه  
 و زلزلة قلبه، فراح يقول لنفسه في ذهول: «اللهمّ لطفك ورحمتك، ماذا جرى؟!». (همان: ۲۷۳)  
 کافی بود یکی از آن زن‌ها از جلوی چشمانش رد می‌شد، در این حال بی‌تاب می‌شد و قلبش به  
 تپش می‌افتاد. آنگاه مات و مبهوت با خود می‌گفت: «خدایا رحم کن، چه پیش آمده است؟!»

**نتیجه‌گیری**

با توجه به اینکه با کنکاش در باورها و رفتارهای افراد جامعه در قالب زبان، می‌توان به فرهنگ و  
 ساختارهای آن جامعه پی برد، در این پژوهش با بررسی داستان‌های عربی و انتقال آن در زبان  
 فارسی به مقایسه دعا در این دو فرهنگ پرداختیم. با توجه به این گفته‌ها در پاسخ به:

■ **پرسش اول:** که کنش گفتاری دعا در زبان عربی و فارسی، از نظر ساختاری و درون‌مایه‌ای چه  
 تفاوتی با هم دارند؟ از مجموع بررسی‌هایی که در سه مجموعه داستان برگزیده انجام شد، دریافتیم  
 که گاهی میزان و انبوه واژه‌ها و گفتارهای دعا در موقعیت‌های گوناگون باتوجه به شرایط مختلف  
 در بین گویشوران فارسی و عربی متفاوت است؛ زیرا برخی از گفتارهای دربردارنده دعا در زبان  
 مبدأ از لحاظ ساختاری معنای متفاوتی با زبان مقصد دارد، همانگونه که بسیاری از گفتارهای  
 دربردارنده دعا در زبان فارسی معنایی غیر از مقصود گوینده در زبان عربی به خود می‌گیرد؛ از این  
 روی معنا باید با توجه به بافت جمله انتقال یابد، ولی در بسیاری از موارد نیز مشابه است، ولی در  
 هر دو فرهنگ برای نسبت دادن دعای خود به مذهب رجوع می‌کنند و در این داستانها متوجه  
 شدیم که عرب‌زبانها دعاهای خود را به خداوند متعال ارجاع می‌دهند؛ یعنی هدف از این جملات  
 دعایی بیشتر درخواست از خداوند و طلب خیر بود. و با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده به این  
 نتیجه می‌رسیم که لحن‌های ملتسمانه، ترحم‌آمیز، توهین‌آمیز و همدردی در این داستان‌ها کاربرد  
 بیشتری دارد.

و **پرسش دوم:** کاربردهای کنش گفتاری دعا در این متون داستانی عبارت است از: درخواست از  
 خداوند، طلب بخشش، طلب خیر، رفع بلا، رفع خطر، دعا، آرزوی سلامتی و طول عمر، طعنه،  
 شادی، طلب آموزش برای متوفی، عجز و درماندگی، تمجید، شوخی، تهنیت، تمسخر و اعتراض.



نمودار کاربردهای دعا در این سه مجموعه داستان

## منابع

- انوری، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ فشرده سخن. جلد ۲. تهران: سخن.
- پیش‌قدم، رضا و فیروزیان پوراصفهانی، آیدا (۱۳۹۶). «تأملی جامعه‌شناختی پیرامون کاربردهای گفتمانی «نمی‌دانم» در زبان فارسی در پرتو الگوی هایمز». مطالعات فرهنگ-ارتباطات. دوره هجدهم. شماره سی و هفتم. صص ۷-۳۵.

- دهخدا، ع. آ (۱۳۷۳). **فرهنگ متوسط دهخدا** (جلد ۱-۲). به کوشش غلامرضا ستوده، ایرج مهرکی، اکرم سلطانی، زیر نظر جعفر شهیدی. تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ: موسسه لغت دهخدا.
- صباحی خامنه، لیلا، (۱۳۸۹). «بررسی کنش‌های گفتاری دعا و نفرین در زبان فارسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، گروه زبان‌شناسی. محفوظ، نجیب. (۱۹۹۴). **المولفات الكاملة**. مکتبه لبنان ناشرون. لبنان: بیروت. الطبعة الاولى.
- \_\_\_\_، (۱۹۸۸). **شهر العسل**. القاهرة: مکتبه المصر.
- \_\_\_\_، (۱۹۶۷). **تحت المظلة**. القاهرة. مکتبه المصر.
- معین، محمد (۱۳۷۱). **فرهنگ فارسی**. جلد ۱. تهران: سپهر.
- یول، جورج (۱۳۸۷). **کاربرد شناسی زبان**. ترجمه محمد عموزاده مهدرجی و منوچهر توانگر. تهران: سمت.
- Blakwell, oxford and Cambridge Yule, George. (1996). **The study of language**: Cambridge University press.
- Diani, Giuliana (2004). The discourse Functions of I don't know in English Conversation, Discourse Patterns in Spoken and Written Corpora, John Benjamins Publishing Company, DOI:10.1075/pbns.120.11.dia, 157-171.
- Fasold, R. (1990). **The Sociolinguistics of Language**, Cambridge.
- Gumperz, J., & Hymes, D. (1972). **Directions in sociolinguistics**- The ethnography of communication. Rinehart & Winston.
- Hymes, D. (1974). **Foundations in Sociolinguistics: An Ethnographic Approach**, Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Hymes, D. (1967). "models of interaction of language and socialsetting". *Jornal of social Issues*. vol.3. No. 32. Pp. 8-28.
- Saville-Troike, M. (2003). **The Ethnography of Communication**. (3rd ed). USA: Blackwell Publishing.
- Schiffrin, Deborah (1994). **Approaches to Discourse**, Cambridge, MA & Oxford: Blackwell, Pp. x + 470.

#### COPYRIGHTS

© 2025 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

**ارجاع:** احمدی قندک ملکی، افضلی فرشته، کنش‌گفتار دعا در زبان عربی و فارسی بر پایه مدل دل‌هایمز (مطالعه موردی: متون داستانی)، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، دوره ۱۸، شماره ۷۲، زمستان ۱۴۰۳، صفحات ۳۹-۲۱.